

The Role of Family Counseling in Raising a Mujahid Generation: Identifying Educational Challenges and Presenting Practical Models for Parents

Roya Dehqani Firouzjaei

Level 3 in Jurisprudence (Fiqh), Zahra Seminary, Meybod.

Zeinab Rahimi Talarpashti

PhD candidate in Women's Studies at the Faculty of Islamic Studies, University of Religions and Denominations, Qom

Abstract The family, as the primary institution of upbringing, plays a fundamental role in shaping the identity and character of children, and the quality of education within this environment lays the foundation for nurturing a mujahid and civilization-building generation. However, many parents face difficulties in raising an ideal-driven generation due to a lack of the necessary skills to address emerging challenges in child-rearing. Therefore, the use of family counseling to empower parents is a serious necessity. This study aims to explain the role of family counseling in raising a mujahid generation by identifying educational challenges and presenting practical models for parents. The research adopts a descriptive-analytical method and is based on library sources. The findings indicate that some of the current educational challenges arise from weaknesses in communication skills, a decline in the transmission of religious values, and a weakening of emotional and sacred bonds within the family environment. Ultimately, family counseling, by enhancing such skills as responsibility, behavioral role-modeling, and strengthening religious identity, plays a key role in empowering parents to nurture a mujahid and civilization-building generation.

Keywords: family, raising a mujahid generation, educational challenges, parental empowerment, religious identity, educational role-modeling



دور الإرشاد الأسري في تربية جيل مجاهد: تشخيص التحديات التربوية وتقديم نماذج عملية للوالدين

رويا دهقاني فيروزجاني

الباحثة المسؤولة، طالبة حوزوية في المستوى الثالث في الفقه، المدرسة العلمية حضرت الزهراء عليها السلام في ميبد.

زينب رحيمي تالارپشتي

باحثة في مرحلة الدكتوراه تخصص دراسات المرأة في كلية الدراسات الإسلامية بجامعة الأديان والمذاهب في قم.

الملخص

تُعدّ الأسرة، بوصفها المؤسسة التربوية الأساسية، ذات دور محوري في تشكيل هوية الأبناء وشخصيتهم، كما أن جودة التربية في هذا المحيط تضع الأساس لتنمية جيل مجاهد وصانع للحضارة. ومع ذلك، يواجه كثير من الوالدين صعوبات في تربية جيل مثاليّ التوجه بسبب افتقارهم إلى المهارات اللازمة لمواجهة التحديات المستجدة في تربية الأبناء؛ ومن ثم فإن الاستفادة من الإرشاد الأسري لتمكين الوالدين تُعدّ ضرورة ملحة. وتهدف هذه الدراسة إلى تبين دور الإرشاد الأسري في تربية جيل مجاهد، من خلال تشخيص التحديات التربوية وتقديم نماذج عملية للوالدين. وتعتمد الدراسة المنهج الوصفي التحليلي، بالاستناد إلى المصادر المكتبية. وتُظهر النتائج أن جانباً من التحديات التربوية الراهنة يعود إلى الضعف في مهارات الحوار، وتراجع نقل القيم الدينية، وفتور الروابط العاطفية والقدسية داخل البيئة الأسرية. وفي الختام، يؤدي الإرشاد الأسري، من خلال تعزيز مهارات مثل تحمّل المسؤولية، والنمذجة السلوكية، وتقوية الهوية الدينية، دوراً أساسياً في تمكين الوالدين من تربية جيل مجاهد وصانع للحضارة.

الكلمات المفتاحية: الأسرة، تربية جيل مجاهد، التحديات التربوية، تمكين الوالدين، الهوية الدينية، النمذجة التربوية

نقش مشاوره خانواده در تربیت نسل مجاهد: آسیب‌شناسی و ارائه الگوهای عملی برای والدین

رویا دهقانی فیروزآبادی

نویسنده مسئول، طلبه سطح ۳، رشته فقه، حوزه علمیه حضرت زهرا (ع) میبد.

Email: Royadehgani@gmail.com

زینب رحیمی تالارپشتی

دانشجوی دکترا، مطالعات زن و خانواده، دانشکده مطالعات اسلامی قم

Email: zinatal360@iran.ir

چکیده

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری هویت و شخصیت فرزندان دارد و کیفیت تربیت در این محیط، زمینه‌ساز پرورش نسلی مجاهد و تمدن‌ساز است. با این حال، بسیاری از والدین به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم در مواجهه با چالش‌های نوپدید فرزندپروری، در تربیت نسل آرمان‌خواه با دشواری روبه‌رو هستند؛ ازاین‌رو بهره‌گیری از مشاوره خانواده برای توانمندسازی والدین ضرورتی جدی است. این پژوهش با هدف تبیین نقش مشاوره خانواده در تربیت نسل مجاهد، به شناسایی آسیب‌های تربیتی و ارائه الگوهای عملی برای والدین می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد بخشی از چالش‌های تربیتی کنونی ناشی از ضعف در مهارت‌های گفت‌وگو، کاهش انتقال ارزش‌های دینی و گسست پیوندهای عاطفی و قدسی در فضای خانواده است. در نهایت، مشاوره خانواده با ارتقای مهارت‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، الگوسازی رفتاری و تقویت هویت دینی، نقشی کلیدی در توانمندسازی والدین برای پرورش نسلی مجاهد ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مشاوره خانواده، نسل مجاهد، آسیب‌شناسی تربیتی، الگوهای عملی والدین، تربیت فرزند.

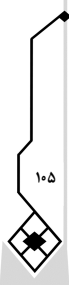
مقدمه

خانواده در مطالعات تربیتی معاصر، بنیادی‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت، شخصیت و نظام ارزشی فرزندان شناخته می‌شود و کیفیت تعاملات والدین و فرزندان، مهم‌ترین عامل در پرورش نسل مسئول است، (Goldenberg & Goldenberg، ۲۰۱۲) در گفتمان انقلابی نیز نقش والدین، به‌ویژه مادران، در تربیت نسل مجاهد جایگاهی راهبردی دارد و در بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان عامل کلیدی تحقق اهداف تمدنی جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (کریمی و عابدین، ۱۴۰۴).

مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناسی دینی نشان می‌دهد محیط‌های مذهبی و فرهنگی زمانی در تربیت دینی مؤثرند که والدین بتوانند افزون بر انتقال ارزشی، در الگوسازی رفتاری و ایجاد ارتباط مؤثر نیز موفق باشند (Voas & Storm، ۲۰۱۲). تعاملات عاطفی و گفت‌وگوهای هدفمند والدین بیش از هر عامل دیگری در باورپذیری، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری ارزشی نسل جدید اثرگذار است (Flor & Knapp، ۲۰۰۱). یافته‌های روان‌شناسی تربیتی اسلامی نیز بر اهمیت خودتنظیمی اخلاقی، تاب‌آوری و هدایت روانی - معنوی فرزندان در بستر خانواده تأکید دارند (Shukor et al، ۲۰۲۵).

چالش‌های زندگی مدرن، از جمله تغییر سبک زندگی، گسست نسلی و کاهش سرمایه عاطفی خانواده، انتقال سنتی ارزش‌ها را دشوار کرده و نیاز به





مشاوره خانواده را دوجندان ساخته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مشاوره خانواده با ارتقای مهارت‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای تعاملی و بازسازی روابط عاطفی می‌تواند ظرفیت تربیتی والدین را افزایش دهد (Hidayati & Shobahiya, ۲۰۲۵).

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا مبانی نظری مرتبط با خانواده، مشاوره خانواده و مفهوم نسل مجاهد گردآوری و بررسی، سپس با تحلیل محتوای استنباطی، مهم‌ترین چالش‌های تربیتی خانواده استخراج و در نهایت الگوهای عملی توانمندسازی والدین در سه ساحت عاطفی، شناختی و رفتاری ارائه شده است تا رابطه میان مشاوره خانواده و تربیت نسل مجاهد به صورت منسجم تبیین گردد.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱. نسل مجاهد

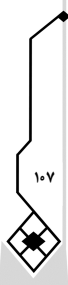
در تربیت اسلامی، هدف تنها رشد فردی نیست، بلکه پرورش انسان‌هایی مسئول و متعهد به اصلاح جامعه است. «نسل مجاهد» نسلی است که از نظر معرفتی، اخلاقی و رفتاری توان مواجهه فعال با چالش‌های فردی و اجتماعی را داشته و در مسیر تحقق ارزش‌های متعالی تلاش می‌کند. شهید مطهری با تبیین مراتب حیات انسان، براین باور است که موجودات زنده صرفاً برای بقا فعالیت نمی‌کنند، بلکه حرکت آنان غایتی استکمالی دارد. به اعتقاد وی، هرچه درجه حیات انسان بالاتر باشد، بینش و جنبش او نیز کامل‌تر خواهد بود و علم و ایمان

از مهم‌ترین عوامل ارتقای این حیات به شمار می‌روند (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۳۲۱-۳۲۲). براین اساس، پرورش نسل مجاهد تنها به تقویت توانایی‌های رفتاری محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم تعالی بینش، ایمان، مسئولیت‌پذیری و جهت‌دهی حرکت انسان در مسیر ارزش‌های الهی است.

در روان‌شناسی تربیتی معاصر، مفاهیمی چون تاب‌آوری به توانایی سازگاری مثبت با شرایط دشوار و حفظ کارکرد سازگارانه اشاره دارد. (Masten، ۲۰۰۱، p.4) ترکیب این دیدگاه با آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد شکل‌گیری نسلی فعال در گرو خودتنظیمی، پایداری اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هویت ارزشی است. از این رو، نسل مجاهد نسلی است که با اتکا به هویت دینی و نظام ارزش پایدار، افکار و رفتار خود را در راستای اهداف بلندمدت فرهنگی و تمدنی جهت‌دهی می‌کند (Shukor et al، ۲۰۲۵، p.1499).

۲-۱. مشاوره خانواده با رویکرد توانمندسازی

خانواده به عنوان بستر بنیادین جامعه‌پذیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند انتقال ارزش‌ها ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که تکوین اخلاق تربیتی و درونی‌سازی نقش‌ها در بطن این نهاد صورت می‌پذیرد (Handayani et al، ۲۰۲۵، p.12). افزون براین، در مواجهه با چالش‌های محیطی، الگوهای ارتباطی و سازوکارهای تعاملی درون خانوادگی از منابع محوری سازگاری و انعطاف‌پذیری اعضا به شمار می‌روند (Handayani et al، ۲۰۲۵، p.3) فرآیندهایی که به‌طور مستمر در بستر



تعاملات و ارتباطات روزمره خانوادگی بازتولید و تثبیت می‌شوند (Handayani et al, ۲۰۲۵, p.7).

در برخی رویکردهای نوین، مشاوره خانواده دارای بعد معنوی نیز هست و به صورت فرایند «روانی - معنوی» تعریف می‌شود که هدف آن تقویت ظرفیت‌های درونی، افزایش آگاهی والدین از نقش تربیتی خود و ایجاد محیطی مبتنی بر محبت، معنویت و اخلاق است. این رویکرد، والدین را برای ایجاد پیوندهای عاطفی و ارزشی پایدار و ایفای نقش فعال در تربیت نسلی مجاهد توانمند می‌سازد (Hidayati & Shobahiya, ۲۰۲۵, p.6).

۳-۱. فرزندپروری و درونی‌سازی ارزش‌ها

انتقال ارزش‌ها و هنجارها زمانی پایدار است که در فرایند درونی‌سازی، ارزش‌ها به بخشی از نظام باور فرد تبدیل شوند و او حتی در غیاب نظارت بیرونی به آن‌ها پایبند بماند (Flor & Knapp, pp. 2-3).

بامریند^۱ سبک‌های فرزندپروری را در قالب سه الگودسته‌بندی می‌کند و در این میان، سبک مقتدرانه یا دموکراتیک نزدیک‌ترین الگوبه فرزندپروری اسلامی معرفی شده است (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, p.2). همچنین، فرزندپروری به منزله بستر درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری اخلاق در نظر گرفته می‌شود (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, p.1). در همین چارچوب، مشاوره اسلامی می‌تواند

1 Baumrind

در تقویت فرزندپروری پاسخ‌گو و تحکیم هماهنگی خانوادگی نقش مؤثری ایفا کند (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, pp. 3-4).

۴-۱. ارتباطات اقناعی و سازگارانه در خانواده

ارتباطات درون خانوادگی، بستر اصلی انتقال ارزش‌ها و شکل‌گیری نگرش‌هاست. اقناع مؤثر زمانی رخ می‌دهد که پیام تربیتی علاوه بر استدلال، عناصر عاطفی و رابطه‌ای را نیز دربرگیرد (هاتفی راد و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴). در روابط والد-فرزند، «ارتباطات سازگارانه» بدان معناست که والدین پیام‌ها و انتظارات خود را با سطح رشد شناختی و هیجانی فرزندان هماهنگ کنند. این نوع ارتباط، از تعارض نسلی و مقاومت در برابر ارزش‌های خانوادگی می‌کاهد و پذیرش و درونی‌سازی ارزش‌ها را در نوجوانان افزایش می‌دهد (کریمی عقدا و شریفی اردانی، ۱۴۰۳، ص ۵، ۱۳) توانمندسازی والدین از طریق مشاوره خانواده، با بهبود فرزندپروری و تقویت ارتباطات سازگارانه، زمینه هویت ارزشی پایدار و پرورش نسلی مسئول و کنشگر را فراهم می‌کند.

۲. آسیب‌ها

۲-۱. آسیب ارتباطی؛ ضعف گفت‌وگو

تربیت نسل مجاهد که نسلی مقاوم، مسئولیت‌پذیر و ارزش‌مدار است، نیازمند خانواده‌ای با ارتباط گرم و گفت‌وگوی سازنده است. ضعف ارتباطی، بنیان این تربیت را تضعیف کرده و انتقال صحیح ارزش‌ها را مختل می‌کند.

پژوهش شهرکی و همکاران نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که تعاملات عاطفی محدود است، صمیمیت و حمایت عاطفی کاهش می‌یابد و نوجوانان در برابر چالش‌های هیجانی آسیب‌پذیرتر می‌شوند. چنین فضایی روحیه جهادی را که مبتنی بر احساس امنیت و پشتوانه خانوادگی است، تضعیف می‌کند (شهرکی‌ثانوی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴).

یکی از عوامل اصلی ضعف ارتباطی، شکاف نسلی و فرهنگی است. تفاوت نگرش‌ها میان والدین و فرزندان، اعتماد و نزدیکی عاطفی را کاهش داده و سوء تفاهم‌ها را افزایش می‌دهد (هاتفی‌راد و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳۳). در فقدان زبان مشترک برای توضیح دلایل و ارزش‌ها، تعارضات افزایش یافته و انتقال ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و جهادی تضعیف می‌شود. نوجوانی که احساس شنیده شدن و درک شدن نمی‌کند، کمتر می‌تواند هویت پایدار و ارزش‌محور لازم برای تبدیل شدن به انسان مجاهد را شکل دهد؛ بنابراین، ضعف ارتباطی علاوه بر آسیب به سلامت روان، مانعی جدی در مسیر تربیت نسل مجاهد است و تقویت مهارت‌های ارتباطی والدین، شرط بنیادی برای این تربیت به‌شمار می‌آید.

۲-۲. آسیب ارزشی؛ کاهش انتقال ارزش‌ها

براساس بیانیه گام دوم انقلاب، تعمیق معنویت و اخلاق در نسل جدید و نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزندان، اهمیتی اساسی دارد. معنویت و اخلاق

جهت دهنده حرکت های فردی و اجتماعی اند و تربیت فرزند به عنوان «مهم ترین کار زن» معرفی شده است (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۶؛ خامنه ای، ۱۳۹۵، ۱۴ دی)

در شرایطی که رسانه ها و فضای مجازی بر شکل گیری هویت نسل جدید اثرگذارند، مادران با چالش هایی همچون برجسته شدن الگوهای ناسازگار، تضعیف فرایند انتقال ارزش های دینی و افزایش احتمال معاشرت های نامناسب فرزندان روبه رو می شوند. (نکوفرو قلاوند، ۱۳۹۷، ص ۵ و ۱۱). در این شرایط، توجه به تربیت اجتماعی و عاطفی کودک برای رشد اخلاقی و مسئولیت پذیری او ضروری است و با راهکارهایی مانند محبت ورزی، بازی، هنر، الگودهی والدین و معرفی الگوهای شایسته تقویت می شود. (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲)

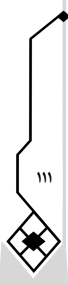
آسیب ارزشی زمانی رخ می دهد که انتقال ارزش های دینی و اخلاقی در خانواده تضعیف شود؛ در نتیجه هویت دینی نوجوان، که زیربنای مسئولیت پذیری و مقاومت است، سست می شود و امکان ورود به «میدان های بزرگ» بدون تربیت اخلاقی فراهم نیست (بیانات، ۱۳۹۵، ۱۴ دی). رسانه های مخرب، ترویج فردگرایی و ضعف ارتباط مادر-فرزند، نوجوان را از سبک زندگی مجاهدانه دور کرده و ویژگی هایی چون صبر، تلاش و خودسازی را تضعیف می کند.

۲-۳. آسیب عاطفی؛ گسست پیوند خانوادگی

تحولات اجتماعی، روابط درون خانواده را دگرگون کرده و یکی از پیامدهای مهم آن، تضعیف پیوندهای عاطفی والدین و فرزندان است. این گسست از کاهش تعاملات روزمره تا احساس فاصله نسلی و ضعف درک متقابل را دربرمی‌گیرد و بر هویت و رفتار فرزندان اثر می‌گذارد.

پژوهش پوردهقان و همکاران نشان می‌دهد گسست فرهنگی و تغییر سبک زندگی با افزایش نارسایی هویت و کاهش پیوند عاطفی همراه است. هرچه این شکاف بیشتر باشد، فرزند در مسیر هویت‌یابی از حمایت خانواده دورتر شده و در برابر سردرگمی هویتی آسیب‌پذیرتر می‌شود. (پوردهقان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳). همچنین فشارهای جدید بر نقش‌های خانوادگی و نیز انتظارات کمال‌گرایانه والدین، می‌تواند احساس امنیت روانی و حمایت عاطفی فرزندان را تضعیف کند؛ امری که به نوبه خود با کاهش جرأت‌ورزی و افت مشارکت فعال آنان همراه است. (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۲).

رحمتی و هوشیاری به عواملی چون اشتغال گسترده والدین، فاصله سنی زیاد و ناآشنایی با ویژگی‌های نسل جدید، در کنار جهانی شدن و رسانه‌ها، به عنوان تشدیدکننده شکاف نسلی اشاره کرده‌اند. در چنین شرایطی نوجوانان برای ارضای نیازهای عاطفی و هویتی به محیط‌های بیرونی رجوع می‌کنند و مستعد بی‌انگیزگی و کناره‌گیری از فعالیت‌های سازنده می‌شوند. (هوشیاری و رحمتی، ۱۴۰۱، صص ۱-۳).



در مجموع، گسست عاطفی خانوادگی، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی و انگیزه تلاش هدفمند را تضعیف می‌کند؛ مؤلفه‌هایی که برای شکل‌گیری شخصیت مجاهد و ارزش‌محور ضروری‌اند.

۳. راهکارها

۳-۱. الگوی توانمندسازی ارتباطی

در الگوی توانمندسازی ارتباطی، کیفیت تعاملات خانوادگی، به‌ویژه رابطه زناشویی و رابطه والد-فرزند، عامل مهم گرایش‌های ارزشی فرزندان است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد میان کیفیت زناشویی والدین و ادراک نوجوان از گرمی و حمایت خانوادگی، با پذیرش باورها و ارزش‌های خانواده رابطه معنادار وجود دارد؛ نوجوانانی که روابط خود را صمیمانه می‌بینند، بیشتر باورها و رفتارهای ارزشی والدین را درونی می‌سازند و کاهش تعارضات زناشویی، تأثیرگذاری والدین را افزایش می‌دهد (Day et al, 2008, p.10).

کیفیت رابطه هریک از والدین با فرزند نیز به‌طور مستقل اهمیت دارد؛ بنابراین تقویت رابطه عاطفی با هر دو والد ضروری است. براین اساس، یکی از وظایف اصلی مشاوران خانواده آموزش مهارت‌های گفت‌وگوی سازنده، گوش‌دادن همدلانه و مدیریت تعارض با والدین است تا با افزایش صمیمیت، کاهش تعارض و ارتقای تعاملات درون خانوادگی، زمینه انتقال مؤثر ارزش‌ها فراهم شود.

۲-۳. الگوی انتقال ارزش‌ها

در الگوی انتقال ارزش‌های دینی، والدین محور اصلی درونی‌سازی ارزش‌ها در فرزندان‌اند. دینداری بسیاری از بزرگسالان ریشه در اجتماعی‌سازی دوران کودکی و نوجوانی دارد (Voas & Storm، ۲۰۱۲، p.2). الگوسازی رفتاری و هماهنگی گفتار و کردار والدین از مؤثرترین روش‌های غیرمستقیم انتقال ارزش‌هاست. رویکرد مشاوره روانی، معنوی اسلامی بر پنج ارزش محوری فرزندپروری یعنی رحمت، حکمت، الگوبودن، تأدیب و توازن تأکید دارد و آن را در قالب مدل (RAHMAH) منظم، توافق و قرارداد، تمرین‌های قلبی، مربی‌گری مبتنی بر الگو، ارتباط فعال و چرخه عادت) عملیاتی می‌کند (Hidayati & Shobahiya، ۲۰۲۵، pp. 17-8). این رویکرد نشان می‌دهد اعمال عبادی روزمره مانند نماز می‌توانند سازوکار «هم‌تنظیمی» هیجان میان والد و کودک بوده و در تقویت هویت دینی مؤثر باشند. نقش مکمل پدر و مادر و حمایت خانواده گسترده نیز در تقویت اکوسیستم فرزندپروری مورد توجه است. وظیفه مشاور خانواده آن است که با تقویت این الگوها، کیفیت رابطه والد-کودک و انتقال غیرمستقیم ارزش‌ها را ارتقا دهد.

۳-۳. الگوی هویت‌سازی

مشاوره خانواده در چارچوب تربیت اسلامی می‌تواند هویت‌سازی و مسئولیت‌پذیری فرزندان را تقویت کند. خانواده، مدرسه نخستین اخلاق و هنجارهاست و تربیت اسلامی با تأکید بر اخلاق، انضباط و مسئولیت، زمینه

تاب‌آوری و انسجام خانواده را فراهم می‌آورد (Voas & Storm، ۲۰۱۲، p.1-2). پژوهش‌ها نشان می‌دهد واگذاری تدریجی مسئولیت از کودکی و پرهیز از دخالت افراطی والدین، از مهم‌ترین راه‌های ایجاد مسئولیت‌پذیری است؛ مداخله بیش از حد فرصت تجربه و پذیرش پیامد رفتار را از فرزند می‌گیرد و مسئولیت‌پذیری باید متناسب با سن درونی شود (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۱). ویژگی‌های والدین همچون بردباری، شکیبایی و قاطعیت نیز در این فرایند نقش اساسی دارد و محیطی سرشار از محبت و تفاهم، سلامت روانی کودک و نوجوان را تقویت می‌کند (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۳).

در رویکرد مشاوره‌ای مبتنی بر تربیت اسلامی، خانواده تنها محل مراقبت نیست، بلکه بستر شکل‌گیری هویت و مسئولیت است. مشاور با آموزش الگوهای تربیتی مناسب، والدین را یاری می‌کند تا از طریق محبت همراه با انضباط و واگذاری تدریجی مسئولیت، زمینه شکل‌گیری هویتی پایدار و شخصیت مسئولیت‌پذیر را فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که خانواده، اصلی‌ترین بستر تربیت نسل مجاهد است و بدون توجه به سه عرصه ارتباطی، ارزشی و عاطفی، دستیابی به چنین نسلی دشوار خواهد بود. ضعف گفت‌وگو، کاهش انتقال مؤثر ارزش‌ها و گسست عاطفی، هویت دینی و احساس تعلق نوجوان را تضعیف کرده و او را در

برابری تفاوتی، ناپایداری هویتی و دورشدن از سبک زندگی مجاهدانه آسیب‌پذیر می‌کند.

در برابر این آسیب‌ها، سه الگوی اصلی بر پایه مشاوره خانواده پیشنهاد شد:
 ۱. الگوی توانمندسازی ارتباطی برای تقویت صمیمیت، گفت‌وگوی همدلانه و کاهش تعارضات؛

۲. الگوی انتقال ارزش‌ها با تأکید بر الگوسازی والدین، هماهنگی گفتار و کردار و بهره‌گیری از رویکرد روانی-معنوی اسلامی؛

۳. الگوی هویت‌سازی با واگذاری تدریجی مسئولیت، ترکیب محبت و قاطعیت و ایجاد فضای امن برای تجربه و رشد.

نتایج نشان می‌دهد مشاوره خانواده، اگر با رویکرد سیستمی و روانی-معنوی و مبتنی بر مبانی تربیت اسلامی سامان یابد، می‌تواند والدین را در نقش مربیان آگاه و مؤثر توانمند سازد، کیفیت ارتباطات خانوادگی را ارتقا دهد و در تعمیق هویت دینی و مسئولیت‌پذیری نسل جدید نقش راهبردی ایفا کند. به همین سبب، طراحی دوره‌های تخصصی مشاوره خانواده با رویکرد تربیت نسل مجاهد، ارتقای سواد تربیتی والدین و ارزیابی تجربی این الگوها در پژوهش‌های آینده، از الزامات سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی است.



منابع و ماخذ

۱. اعرافی، علیرضا و ابراهیمی، جواد (۱۳۹۶). روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی فرزندان؛ حکم فقهی. مطالعات فقه تربیتی، ۴(۸)، ۱۱۵-۱۴۰.
۲. بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷).
۳. پوردهقان، م.، و همکاران (۱۳۹۵). گسست فرهنگی و پیامدهای آن بر هویت نوجوانان.
۴. رحیمی، ف.، و همکاران (۱۳۹۸). نقش فشارهای جدید خانوادگی در کاهش امنیت روانی نوجوانان.
۵. شهرکی ثانوی، فریبا، نویدیان، علی، انصاری مقدم، علیرضا، و فرجی شوی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۴.
۶. غلامی، الف.، و همکاران (۱۴۰۵). فرآیند مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش والدین و سبک فرزندپروری.
۷. کریمی عقدا، هادی، شریفی اردانی، علیرضا، صباغیان بغداد آباد، حمید، غلامزاده بافقی، طیبیه و پور غلامی، فرزاد. (۱۴۰۳). تبیین مهارت اجتماعی فرزندان براساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی. ۹۳-۱۰۸.
۸. کریمی، ح.، و عابدین، م (۱۴۰۴). نقش مادران در تربیت نسل پیشرو و



تمدن ساز.

۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

۱۰. هاتفی راد، لیدا، پارسامهر، مهربان و روحانی، علی (۱۴۰۲). شبکه روابط اجتماعی و گفت‌وگومندی زوجین: یک مطالعه زمینه‌ای در شهر یزد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی.

۱۱. هوشیاری، ن. س، و رحمتی، ح (۱۴۰۱). بررسی عوامل درون و برون خانوادگی مؤثر بر گسست نسلی در خانواده ایرانی. نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، ۳(۶).

۱۲. نکوفر، حسن و قلاوند، زهره (۱۳۹۷). تاثیر فضای مجازی بر اخلاق و هویت کودکان. همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی.

13 Akbar, M., & Hidayati, N. (2025). Islamic Parenting Models and Value Internalization.

14 Aronson, E. (2018). The Social Animal.

15 Baumrind, D. (1991). Effective parenting and child socialization.

16 Day, R. D., Jones-Sanpei, H., Price, J., Orthner, D. K., Hair, E., Moore, K. A., & Kaye, K. (2008). Effects on adolescent religiosity and religious practice. U.S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation.

17 Flor, D., & Knapp, N. (2001). Parent-child communication and

religious development.

18 Hidayati, N., & Shobahiya, A. (2025). Spiritual–Psychological Family Counseling.

19 Handayani, B. C., Ahyar, M., Sahri, W., Murzaki, L. A., & Abdussyakur. (2025). The role of Islamic education in constructing family resilience: A socio–theological study. *Jurnal Islam Nusantara*, 9(1), 332–350.

20 Masten, A. (2014). *Ordinary Magic: Resilience in Development*.

21 Voas, D., & Storm, I. (2012). The intergenerational transmission of religion.

22 Shukor, K. A., Mohd Noor, A. F., Hussin, N. I., Othman, M. A., Dain, H. M., & Norafandi, M. N. A. (2025). Fostering self–regulatory behaviour through religious values: Challenges, strategies, and the role of parents. *International Journal of*

23 Voas, D., & Storm, I. (n.d.). Religious socialization across generations.

